

محمد بن عبد الله

MRTsoft

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق خصوصی

دانشکده حقوق

گروه علمی حقوق

عنوان پایان نامه:

دارا شدن بلاجهت در حقوق موضوعه ایران و تطبیق آن با فقه

استاد راهنما: دکتر عبدالرسول دیانی

استاد مشاور: دکتر شعبان حق پرست

نگارش: عباسعلی مردانی و لندانی

اسفند ۱۳۸۸

این اثر را تقدیم میکنم به:

همسر مهربانم که همواره در راه تحصیل علم مشوق و همراهم بوده است.

به فرزندان عزیزم مصطفی، مرتضی، و مجتبی که بهره سلامتی و نیکیهای ایشان آرزوی من است.

با آرزوی توفیق الهی

شکر و قدردانی

اکنون که به یاری پروردگار این پژوهش به اتمام رسیده است، بر خود لازم میدانم از تمامی بزرگوارانی که در نگارش این پایان نامه مرا مساعدت کردند سپاسگزاری نمایم:

- از استاد گرامی جناب دکتر عبدالرسول دیانی که بارها همایشهای جامع و بیدینخ خودم را در هر چه بهتر نگاشتن یاری فرادان کردند.

- از استاد محترم جناب دکتر شعبان حق پرست به خاطر مساعدتها و نقطه نظرات روشنگرانه ایشان.

- از همکاران و حسن خلق تمامی همکاران دانشگاه پیام نور و کلیه دوستانی که در انجام هر چه بهتر این پژوهش یاری ام نمودند نیز سپاسگزارم.

- در پایان از یکایک اساتید فرهیخته ای که در طول تحصیل کهنه های دانش خود را در کمال سخاوت و تمندی در اختیارم قرار دادند سپاسگزار می کنم و سلامت و توفیق روز افزون تمامی این عزیزان را از درگاه ایزدمنان خواستارم.

چکیده

از آنجایی که برقراری عدالت اجتماعی یکی از ارکان دین مبین اسلام است و بطور گسترده در حقوق موضوعه ایران منعکس گردیده، محقق با انتخاب آن به عنوان پایان‌نامه، قصد جمع‌آوری مطالب و فهم بیشتر آن را داشته است.

یکی از قواعدی که امروزه در اکثر نظامهای حقوقی به عنوان مبنای عدالت مورد پذیرش قرار گرفته قاعده ممنوعیت دارا شدن بلاجهت است. بر مبنای این قاعده عدالت و انصاف اقتضاء می‌کند که هیچکس به زیان دیگری دارا نشود. همچنین ماهیت این قاعده یک مبنای اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و عقلایی است.

این قاعده، یک قاعده مستقل است، مبنای آن به روشنی تمام در قرآن کریم (آیه ۲۹ سوره نساء) آمده است. این قاعده سه رکن دارد: الف؛ دارا شدن یک فرد، ب؛ کاستن از دارایی دیگری ج؛ فقدان سبب مشروع و قانونی برای این جابجایی ارزش مالی.

سبب در اینجا دارای معنی حقوقی است، یعنی سبب قراردادی و یا عرفی برای این انتقال وجود نداشته باشد. به علاوه دعوی اقامه شده بر اساس قاعده، یک دعوی اصلی بوده و احتیاطی و فرعی نمی باشد، گذشته از آن لزومی ندارد که دارا شدن طرف تا زمان اقامه دعوی باقی بوده باشد.

میزان خسارت قابل مطالبه در این نهاد، کمترین میزان از مقدار افزوده شده به دارایی دیگری و مقدار کاسته شده از دارایی آن یکی است.

در حقوق اسلامی، یک اصل کلی وجود دارد که از قاعده فوق جامعتر می باشد. این اصل حرمت و ممنوعیت اکل مال به باطل می باشد.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

فهرست مطالب

شماره صفحه

عنوان

مقدمه

- ۱- بیان موضوع: ۷
- ۲- سؤالات و فرضیات تحقیق: ۸
- ۳- روش تحقیق: ۹
- ۴- پیشینه تحقیق: ۱۰
- ۵- اهداف تحقیق: ۱۱
- ۶- تقسیم بندی مطالب: ۱۱

فصل اول: تاریخچه و مبانی قاعده دارا شدن بلاجهت

- بخش اول : مطالعه تاریخی قاعده در برخی نظامهای حقوقی و جایگاه آن در حقوق ایران: ۱۳
- گفتار اول - تاریخچه قاعده دارا شدن بلاجهت در حقوق روم و فرانسه: ۱۴

- مبحث اول- تاریخچه قاعده داراشدن بلاجهت در حقوق روم:..... ۱۴
- مبحث دوم - تاریخچه قاعده داراشدن بلاجهت در حقوق فرانسه:..... ۲۰
- ۱- حقوق قدیم فرانسه:..... ۲۰
- ۲- حقوق جدید فرانسه:..... ۲۱
- گفتار دوم- مفهوم و موقعیت کنونی قاعده در برخی از نظامهای حقوقی معاصر:..... ۲۷
- مبحث اول- مفهوم و موقعیت قاعده در کشورهای رومی و ژرمنی:..... ۲۸
- ۱- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق آلمان:..... ۲۸
- ۲- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق سوئیس:..... ۲۹
- ۳- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق اطریش:..... ۲۹
- ۴- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق ایتالیا:..... ۳۰
- ۵- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق بلژیک:..... ۳۰
- مبحث دوم- مفهوم و موقعیت قاعده در کشورهای کامن لا:..... ۳۰
- ۱- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق انگلستان..... ۳۰
- ۲- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق امریکا:..... ۳۲
- مبحث سوم- مفهوم و موقعیت قاعده در کشورهای عربی..... ۳۳
- ۱- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق مصر:..... ۳۳
- ۲- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق عراق:..... ۳۵
- ۳- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق لبنان:..... ۳۶

- ۳۷.....مبحث چهارم- مفهوم و موقعیت قاعده در حقوق اسلام:
- ۳۸.....بخش دوم- مبانی و ریشه های قاعده:
- ۳۹.....گفتار اول- مفهوم، ماهیت و مبنای حقوقی قاعده:
- ۴۰.....مبحث اول - تعریف و مفهوم حقوقی قاعده:
- ۴۲.....مبحث دوم- مبنای حقوقی قاعده و تئوریهای مطرح شده و عقیده منتخب:
- ۴۲.....۱- عقد فضولی ناقص و داراشدن بلاجهت:
- ۴۴.....۲-مسئولیت مدنی و داراشدن بلاجهت:
- ۴۴.....۱/۲- عمل و کارنامشروع نظریه پلانیول:
- ۴۶.....۲/۲- نظریه خطر، و تحمل نتایج (ریپر و تیسر) و دارا شدن بلاجهت:
- ۴۸.....۳/۲- سوء استفاده از حق و داراشدن بلاجهت:
- ۴۹.....۳- استیفاء نامشروع و داراشدن بلاجهت:
- ۵۰.....۴- نظریه حفظ تعادل بین دو دارایی، انتقال ارزش و داراشدن بلاجهت:
- ۵۳.....۵- تکلیف اخلاقی جبران وضع زیان دیده و داراشدن بلاجهت:
- ۵۳.....۶-نظریه تحصیل نامشروع ثروت و داراشدن بلاجهت:
- ۵۵.....۷- نتیجه و جمع بندی: قاعده داراشدن بلاجهت به عنوان قاعده ای مستقل:
- ۵۹.....مبحث سوم- مبنای حقوقی قاعده در حقوق ایران:
- ۶۴.....مبحث چهارم - مبنای قاعده در فقه:
- ۶۴.....۱-مخالفان وجود قاعده در فقه:

- ۲- پیروان وجود قاعده در فقه:..... ۶۶
- مبحث پنجم- معیار «داراشدن» در حقوق اسلام: ۶۹
- گفتار دوم: موارد و مصادیق داراشدن بلاجهت در فقه:..... ۷۱
- مبحث اول- مفهوم فقهی باطل شرعی و باطل شرعی و باطل عرفی:..... ۷۱
- ۱- معنا و مفهوم کلمه باطل:..... ۷۱
- ۲- گستردگی مفهوم باطل:..... ۷۲
- ۳- ملاک شناخت باطل:..... ۷۲
- ۴- نقش زمان و مکان:..... ۷۵
- ۵- حرام خواری:..... ۷۶
- ۶- ملاک بطلان و حرمت تحصیل ثروت از طریق اکل مال به باطل:..... ۷۷
- مبحث دوم- مکاسب محرمه و استناد به قاعده:..... ۷۸
- ۱- خرید و فروش میته:..... ۷۹
- ۲- خرید و فروش صلیب و آلات عبادات:..... ۸۰
- ۳- فروش و اجاره به منظور استفاده حرام:..... ۸۰
- ۴- رشوه در غیر حکم و قضاء:..... ۸۲
- مبحث سوم- قاعده حرمت اخذ اجرت بر واجبات و قاعده منع داراشدن بلاجهت:..... ۸۳
- بخش سوم- قاعده داراشدن بلاجهت در حقوق ایران:..... ۸۵
- گفتار اول- مصادیق قاعده داراشدن بلاجهت در قوانین:..... ۸۵

- مبحث اول- قاعده داراشدن بلاجهت در قانون اساسی:..... ۸۵
- مبحث دوم- قاعده داراشدن بلاجهت در قانون مدنی:..... ۹۱
- ۱- مواردی که به قاعده در قانون مدنی عمل شده:..... ۹۱
- ۲- مواردی که در قانون مدنی به قاعده عمل نشده است ۱۰۳
- مبحث سوم- قاعده داراشدن بلاجهت در قانون تجارت:..... ۱۰۵
- مبحث چهارم- قاعده دارا شدن در قانون مجازات اسلامی..... ۱۱۲
- گفتار دوم- وضعیت قاعده در آراء دادگاهها، رویه قضایی و دکترین..... ۱۱۸
- مبحث اول- وضعیت قاعده داراشدن بلاجهت در آراء دادگاهها:..... ۱۱۹
- اول- وضعیت قاعده داراشدن بلاجهت در آراء داخلی:..... ۱۱۹
- دوم- وضعیت قاعده داراشدن بلاجهت در آراء بین المللی:..... ۱۲۰
- مبحث دوم- قاعده داراشدن بلاجهت در رویه قضایی:..... ۱۲۲
- مبحث سوم- قاعده داراشدن بلاجهت در عقاید علمای حقوق (دکترین):..... ۱۲۵

فصل دوم: شرایط، مصادیق و مسائل شکلی و آیین دادرسی قاعده دارا شدن بلاجهت

- بخش اول: مفهوم، شرایط و آثار قاعده داراشدن بلاجهت:..... ۱۲۹
- گفتار اول- دارا شدن:..... ۱۲۹
- مبحث اول- مفهوم دارا شدن:..... ۱۲۹

- ۱۳۰.....مبحث دوم- انواع دارا شدن:
- ۱۳۱.....مبحث سوم- خصوصیات دارا شدن
- ۱۳۳.....گفتار دوم- شرایط قاعده دارا شدن بلاجهت:
- ۱۳۴.....مبحث اول - شرایط مادی قاعده دارا شدن بلاجهت
- ۱۳۴.....۱-افزایش دارایی خوانده:
- ۱۴۰.....۲- کاستی دارایی خواهان:
- ۱۴۶.....مبحث دوم- رابطه سببی میان افزایش و کاهش
- ۱۴۹.....مبحث سوم- شرایط حقوقی قاعده:
- ۱۶۰.....گفتار سوم- آثار دارا شدن بلاجهت:
- ۱۶۰.....مبحث اول- تکلیف بازگرداندن ارزشی که ناروا تحصیل شده:
- ۱۶۱.....مبحث دوم- موضوع دعوی و میزان دارا شوندگی:
- ۱۶۳.....مبحث سوم- زمان ارزیابی دارا شوندگی:
- ۱۶۵.....بخش دوم: موارد و مصادیق قاعده دارا شدن بلاجهت:
- ۱۶۵.....گفتار اول- ایفاء ناروا:
- ۱۶۹.....مبحث اول- ماهیت و مبنای حقوقی ایفاء ناروا:
- ۱۷۱.....مبحث دوم- شرایط تحقق و ارکان ایفاء ناروا:
- ۱۷۱.....۱- تسلیم مال به عنوان و قصد ایفاء:
- ۱۷۲.....۲- ناروائی پرداخت- فقدان دین:

- ۳- تأثیر علم و جهل در ایفاء ناروا: ۱۷۳
- ۴- اماره عدم تبرع - اشتباه در پرداخت: ۱۷۴
- مبحث سوم - آثار تحقق ایفاء ناروا: ۱۷۷
- ۱- الزام گیرنده به رد عین: ۱۷۸
- ۲- الزام پرداخت کننده به پرداخت هزینه نگاهداری به گیرنده با حسن نیت: ۱۷۹
- گفتار دوم: نگاهداری و اداره مال غیر: ۱۷۹
- مبحث اول - مفهوم و ماهیت حقوقی نگاهداری و اداره مال غیر: ۱۸۲
- مبحث دوم - شرایط و ارکان نگاهداری و اداره مال غیر: ۱۸۳
- ۱- عملیات محدود به اداره اموال باشد: ۱۸۳
- ۲- ضرورت دخالت: ۱۸۴
- ۳- عدم تحصیل اجازه از مالک: ۱۸۶
- ۴- عدم منع مالک یا قانون از مداخله: ۱۸۸
- ۵- وجود قصد احسان در دخالت: ۱۸۹
- مبحث سوم - آثار اداره مال غیر: ۱۹۰
- ۱- تعهدات مدیر: ۱۹۰
- ۲- وظیفه مالک: ۱۹۲
- بخش سوم: دعوی ناشی از داراشدن بلاجهت و نحوه جبران خسارت: ۱۹۵
- گفتار اول: - نظریات مطرح در خصوص اصلی یا احتیاطی بودن دعوی داراشدن بلاجهت؟ ۱۹۶

- مبحث اول- آیا دعوی داراشدن بلاجهت یک دعوای فرعی و احتیاطی است؟ ۱۹۶
- مبحث دوم- نظریه داراشدن بلاجهت به عنوان دعوی اصلی و نه احتیاطی؟ ۱۹۸
- مبحث سوم- جمع بندی و ارایه نظریه انتخابی و دلایل آن: ۲۰۰
- گفتار دوم- آیا ضرورتی بر بقاء داراشدن بلاجهت هنگام طرح دعوی وجود دارد یا خیر؟ ۲۰۴
- مبحث اول- نظریه معتقدین به لزوم بقاء داراشدن بلاجهت هنگام طرح دعوی: ۲۰۵
- مبحث دوم- نظریه معتقدین به عدم لزوم بقای داراشدن بلاجهت هنگام طرح دعوی: ۲۰۶
- مبحث سوم- جمع بندی و ارایه نظریه انتخابی و دلایل آن: ۲۰۸
- گفتار سوم- نحوه و مبنای ارزیابی و جبران خسارت: ۲۰۹
- مبحث اول- ملاحظات لازم در برآورد افزایش دارایی: ۲۱۱
- مبحث دوم- کیفیت ارزیابی کاستن از دارایی دیگر: ۲۱۳
- مبحث سوم- نحوه جبران خسارت: ۲۱۷
- مبحث چهارم- کیفر یا جبران: ۲۱۹
- ۱- میزان خسارت قابل جبران: ۲۲۰
- ۲- زمان ارزیابی غرامت: ۲۲۵
- ۳- ضمانت های جبران خسارت: ۲۲۷
- بخش چهارم: جریان دادرسی: ۲۲۹
- گفتار اول- طرفین دعوی: ۲۳۰
- مبحث اول- تعریف و اهلیت خواهان و خوانده: ۲۳۳

مبحث دوم - خواسته خواهان و دفاعیه خواننده:..... ۲۳۷

گفتار دوم - وظیفه بار اثبات دلیل در دعوی داراشدن بلاجهت:..... ۲۳۸

مبحث اول - بار اثبات دلیل بر متضرر است:..... ۲۳۸

مبحث دوم - ادله اثبات در دعوی داراشدن بلاجهت :..... ۲۳۹

گفتار سوم - حکم و آثار آن، و طریق ایراد به آن:..... ۲۴۳

مبحث اول - آثار مترتب بر حکم:..... ۲۴۳

مبحث دوم - راههای ایراد به حکم:..... ۲۴۵

نتیجه گیری:..... ۲۴۶

فهرست منابع..... ۲۴۹

الف - منابع فارسی..... ۲۴۹

ب - منابع عربی..... ۲۵۶

چکیده انگلیسی

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

مقدمه

مقدمه:

بی‌تردید جهان در شتاب و جهشی که هم اکنون در خصوص توسعه و گسترش روابط تجاری، اقتصادی، اجتماعی و غیره برداشته است نه تنها متوقف نخواهد شد، بلکه هر روز بر دامنه آن در ابعاد مختلف خواهد افزود. خصوصاً روند رو به رشد مبادلات بازرگانی و تجاری و بویژه توسعه روز افزون ابعاد بین‌المللی آن، نیاز بازرگان و صاحبان حرفه‌های مختلف تولیدی و صنعتی را به تدوین و تقنین مقررات حقوقی مناسب و قابل اعمال در سطح بین‌المللی از سوی مراجع قانونگذار داخلی و بین‌المللی آشکارتر نموده است.

بخوبی روشن است که فزون طلبی نسل بشر در هیچ مقطعی متوقف نشده و در آینده نیز تصور آن خیالی بیش نیست. دست‌اندازی آدمیان در اموال دیگران و انگیزه کسب منافع بیشتر، همواره با کاسته شدن منافع دیگران و در موارد عدیده‌ای توأم با ایراد خسارت در دارایی و منافع مادی و معنوی سایرین خواهد بود. چرا که در یک دید کلی رسالت حقوق، پیشگیری از بی‌عدالتی و تنظیم روابط اجتماعی افراد است، هیچکس نباید به دیگری زیانی برساند و هیچکس نیز، نباید بگونه‌ای ناروا و بدون جهت مشروع از دارایی دیگری به اموال خود بیفزاید. این خط مشی کلی حقوق، که یکی از وسایل اجرای عدالت در میان مردمان است، به نحوی ملموس در این قاعده تبلور یافته است. به منظور درک بهتر و استفاده کاربردی ضروری می‌باشد، قاعده را تحت نظم و شرایط خاصی تعریف نمود.

الف: از آنجا که انسان موجودی است اجتماعی و به اقتضای مدنی الطبع بودن ناگزیر از ارتباط با دیگران می‌باشد، لذا این ارتباط اعم از اینکه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی باشد، باید به ترتیبی صورت گیرد که به آسایش و امنیت دیگران و از جمله به دارایی آنان لطمه و صدمه‌ای وارد

نسازد؛ حقوق به خاطر به نظم درآوردن این امور و هدایت جامعه به سوی نیک‌بختی و عدالت پا به عرصه هستی نهاده است تا از بیدادگری و جابه‌جایی نامشروع ثروتها و ... پیشگیری کند.

حقوق از همان گام نخست در روابط اقتصادی افراد "تراضی" را، با الهام از دستور آسمانی^۱ وسیله و سبب مشروع جابه‌جایی و انتقال اموال دانست، زیرا کسی که خود به انجام مبادله و معامله- ای با دیگران رضایت می‌دهد و در شرایط سالم و معتبری توافق نماید، می‌توان گفت که قرارداد وسیله عادلانه توزیع ثروت و انتقال مالکیت است. گذشته از این، منافع عمومی و زندگی اجتماعی اقتضاء داشت که خود حقوق به مداخله پردازد و "قانون" را در پاره‌ای از امور، وسیله مجاز و مشروع کسب داراییها بداند، هر چند که این امر به زیان دیگری باشد. چنانکه ارث و حیات مباحات و اخذ به شفعه از انواع همین وسایل قانونی است. وسایل مشروعی را که به این گونه می‌تواند تعادل بین دو دارایی را برهم زند و فزونی یکی را در برابر کاستی دیگری موجه سازد، در اصطلاح «سبب» یا «جهت» می‌نامند. برعکس، استفاده‌ای که در خارج از آن وسایل به دست آید و برداشت از مال دیگری به شمار رود «داراشدن بدون جهت» و در نتیجه استفاده نامشروع است.^۲

وسیله دیگری که حقوق ناگزیر از به رسمیت شناختن آن به عنوان وسیله جابه‌جایی مشروع داراییها در زندگی اجتماعی است "عرف" می‌باشد. نقش این عامل در مقایسه با دو منبع پیشین، ممکن است، ناچیز جلوه کند؛ اما به نظر این گونه نیست؛ زیرا هر چند که قرارداد وسیله مشروع جابه‌جایی داراییهاست اما در همین قرارداد، کسی که مالی را به وسیله آن تملک می‌کند و به این سان بر دارایی خویش می‌افزاید، درواقع به زیان دیگر خریداران عمل می‌نماید و آنان را از یک فرصت و امکان داراشدن محروم ساخته است؛ چه بسا اگر او قرارداد را با فروشنده منعقد نمی‌کرد، دیگری آن را مالک می‌شد. بعلاوه در همین قرارداد بسیاری از لوازم مبیع را عرف معین می‌کند، زیرا چیزی را که عرفاً داخل در مبیع و ملزوم آن باشد، داخل در مبیع و متعلق به مشتری دانسته‌اند (ماده ۳۵۶ ق.م.ا). بعلاوه در همین معامله اگر غبنی تحقق یافته باشد یا به عبارتی یکی از طرفین قرارداد به ضرر دیگری و بدون پرداخت مابه‌ازاء آن، سهمی بردارایی خود افزوده باشد، اگر این دارا شدن، عرفاً قابل مسامحه و اغماض باشد، مشروع است، زیرا حقوق تنها با "غبن فاحش" یعنی دارا شدنی که حقوق به دیده نامشروع به آن می‌نگرد، مبارزه می‌کند.^۳ بنابراین می‌توان گفت که از دیدگاه حقوق: "تراضی"،

۱- سوره نساء، آیه ۲۹.

۲- دکتر ناصر کاتوزیان، ضمان قهری، ج ۲ ص ۱۹۲.

۳- دکتر ناصر کاتوزیان، وقایع حقوقی، ص ۲۵۲.

"قانون" و "عرف" و وسایل مشروع توزیع ثروت و نقل و انتقال داراییها می‌باشند و تنها از این طرق می‌توان به تعدیل داراییها و کاستن و فزونی آنها عینیت بخشید؛ هر کدام از این امور را در اصطلاح "سبب" یا "وسیله" یا "جهت" گفته‌اند.^۴ در نتیجه هرگاه نقل و انتقال اموال خارج و بیرون از این وسایل باشد، حقوق آن وسیله را به رسمیت نمی‌شناسد و خارج از طریقه جابه جایی حقوقی است، به عبارتی این نوع داراشدن، سبب، جهت یا وسیله‌ای ندارد و بدون سبب، داراشدن تحقق پذیرفته است.

ب: عده‌ای از حقوقدانان از این وسیله نامشروع داراشدن، به عنوان "داراشدن غیرعادلانه"^۵ و عده‌ای دیگر به عنوان "استفاده بدون جهت"^۶ و برخی استادان از آن به عنوان "استفاده بدون سبب"^۷ یاد کرده‌اند. قاعده داراشدن بلاجهت به عنوان یک حکم کلی در ماده ۶۲ قانون تعهدات سوئیس و در ماده ۸۲۲ تا ۸۱۲ قانون مدنی آلمان صراحتاً مطرح گردیده است. در فرانسه این قاعده تحت نام «داراشدن بدون سبب»^۸ شهرت دارد. در مصر تحت تأثیر حقوق فرانسه قاعده داراشدن با عنوان «الاثراء بلاسبب» شناخته شده و به صورت یک اصل کلی در ماده ۱۷۹ قانون مدنی مصر مقرر گردیده، در عراق و لبنان با نام «الکسب دون سبب» معرفی شده است. ماده ۲۴۳ قانون مدنی عراق و ماده ۱۴۰ قانون تعهدات و قراردادهای لبنان، بیان کننده این اصل کلی می‌باشد. در نظامهای حقوق عرفی قاعده دارا شدن،^۹ از تاریخچه کمی برخوردار است اما با توجه به اهمیت اصل «انصاف» در این قبیل نظامها دعاوی متعددی به عنوان مصادیق قاعده مطرح می‌شوند.

در حقوق اسلام نیز به اعتقاد حقوقدانان اسلامی این قاعده تحت عنوان "اکل مال به باطل" تأسیس گردیده و مستندات معتبری اعم از آیات قرآن و احادیث و اصول حقوقی مختلف مبین آن می‌باشد.^{۱۰} هر چند که عقیده مخالف نیز در این خصوص وجود دارد.^{۱۱} درباره قاعده داراشدن در فقه اسلام در بخش دوم از فصل اول آن به تفصیل سخن به میان خواهد آمد.

۲- عنوان کتاب دوم از جلد اول قانون مدنی "در اسباب تملک" است- در بند ۲ و ۳ ماده ۱۴۰ از همان قانون، از آن به عنوان -"وسیله" یاد شده و در قانون تجارت در ماده ۳۱۹ از آن به عنوان "جهت" ذکر شده است.

۳- دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۳۵۳. و- دکتر عبدالمجید امیری قائم مقامی، حقوق تعهدات، ج ۱، ص ۳۹۱.

۴- دکتر سیدحسین صفایی، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۵- دکتر ناصر کاتوزیان، ضمان قهری، ص ۱۹۲. ش ۵۵۳

6-Enrichissement Sans Cause (Enrichment Without Caus).

7- Unjust Enrichment or Unjustified enrichment.

۱- الدكتور صبحی محمصانی، النظرية العامة للموجبات والعقود في الشريعة الإسلامية، ص ۹۳.

۲- الدكتور عبدالرزاق احمد السنهوري، الوسيط، ص ۱۱۰۷.